



بررسی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل در صنعت نفت در حقوق ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵)

سولماز هادی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه

چکیده

قراردادهای مشارکت در تولید در طول دهه ۱۹۶۰ رواج یافتند و بسیاری از کشورهای نفت خیز از آن پس از این گونه قراردادهای استفاده کردند. در قراردادهای مشارکت در تولید، نفت و گاز تولید شده میان دولت و شرکت سرمایه‌گذار تقسیم می‌شود. مالک منبع، دولت است و به طور معمول، مدیریت عملیات را شرکت ملی نفت به عهده دارد و به این طریق با شرکت سرمایه‌گذار در ارتباط است. شرکت پیمانکار نیز متعهد به پرداخت مالیات و در برخی موارد پرداخت حق مالکانه است. در این گونه قراردادهای مشارکت دولت و آموزش نیروی انسانی تأیید شده است. در قراردادهای مشارکت در تولید، شرکت برای دولت کار می‌کند و در سود و زیان حاصل از تغییرات قیمت و هزینه، همچنین ریسک موجود سهم است. مدیریت عملیات به صورت مشترک از سوی شرکت طرف قرارداد و دولت صورت می‌گیرد و شرکت ملزم به پرداخت هزینه‌های عملیاتی مانند اکتشاف و توسعه است. شکل‌های دیگر قراردادهای مشارکت عبارتند از: قراردادهای مشارکت در سود و مشارکت در سرمایه‌گذاری. در قراردادهای مشارکت در سود، یک یا چند شرکت سرمایه‌گذار در هزینه‌های عملیاتی سهم می‌شوند و در پایان به جای سهم بندی تولید، سود حسابداری حاصل از فروش میان شرکت تقسیم می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری، قرارداد نفتی، توسعه اقتصادی، قراردادهای مشارکت



بخش اول: مفهوم و تعریف قراردادهای سرمایه گذاری مشترک

در لغت Joint به معنی جمعی و Venture به معنی جرأت و معامله مخاطره آمیز تعریف شده است. ژان شاپیرا یکی از حقوقدانان فرانسوی قرارداد سرمایه گذاری مشترک (جونیت و ونچر) را این گونه تعریف می کند: «یک چارچوب حقوقی همکاری است که در آن خطرات احتمالی و مدیریت میان طرفین تقسیم می شود.» این همکاری ممکن است شکل یک شرکت واقعی را داشته باشد یا به صورت قرارداد بدون ایجاد شخص حقوقی باشد، یا بالاخره شرکت به ضمیمه قرارداد کار و سرویس باشد.^۱ در زبان حقوقی و اقتصادی کشور ما «جونیت و ونچر» را با تعابیر مختلفی ترجمه کرده اند. بعضی از مؤلفین با توجه به این که این اصطلاح نخستین بار در قراردادهای نفتی مورد استفاده قرار گرفته است، آن در مقابل قرارداد امتیاز قرار داده و از آن به قرارداد مشارکت تعبیر کرده اند. برخی با عنایت به مشخصه اصلی این تأسیس حقوقی، که انعطاف پذیری آن در مقابل ماهیت غیرقابل انعطاف Corporahon partnership است، نهایتاً اصطلاح «مشارکت انعطاف پذیری» را برای ترجمه این اصطلاح مناسب دانسته اند. البته لازم به ذکر است که در نظام کامن لا «عنصر زمان» یا مدت دار بودن یک شرکت از شاخص هایی است که شرکت مدنی را از سایر مشارکت ها متمایز می سازد.^۲ عده ای دیگر از مؤلفین با اذعان به این که در زبان فارسی اصطلاح مناسبی برای ترجمه این عبارت ندارند و با تکیه و تأکید بر خصوصیات این تأسیس حقوقی اصطلاح «مشارکت انتفاعی» را برای ترجمه آن مناسب تر دانسته اند. یکی از مترجمین بنام کشور ما نیز اصطلاح «مشارکت پیشتاز» را برای ترجمه اصطلاح «جونیت و ونچر» به کار گرفته است و بالاخره یکی از استادان حقوق تجارت اصطلاح مذکور را به «مشارکت تجاری بین المللی» ترجمه و در تعریف آن می نویسد: در مشارکت تجاری بین المللی (J.V) به صورت واحدهای تجاری هستند که به منظور ایجاد شعبه مشترک تجاری کشورهای مختلف با انعقاد قرارداد فیما بین، آورده های نقدی و غیر نقدی خود را در آن سرمایه گذاری می نمایند تا بدین وسیله دارای

^۱ - حکیمیان، علی محمد، بررسی ماهیت و ساختار جونیت و ونچر، نشریه «روش شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، پاییز

۱۳۸۴ - شماره ۴۴، ص ۳۳

^۲ - خزاعی، حسین، بررسی اجمالی مفهوم JV. در حقوق آمریکا و حقوق بین الملل، مجله حقوقی، شماره ۱۳، ص ۴۱



حق کاری در شعبه مشترک بوده و مسئولیت اداره آنرا به عهده بگیرند. تعریف دیگری نیز، که در یکی از تألیفات مربوط به مشارکت تجاری بین المللی ارائه گردیده است، قابل تأمل است. مطابق تعریف مذکور در قرارداد سرمایه گذاری مشترک «جونیت و نچر» هر نوع ترتیبات همکاری مشارکتی بین دو یا چند شرکت مستقل است، به نحوی که ثمره همکاری مذکور تشکیل شخصیت حقوقی سومی است که از نظر سازمانی کاملاً جدا و مستقل از تشکیل دهندگان اولیه است.» که البته این تعریف نیز سرمایه گذاری مشترک قراردادی را شامل نمی‌گردد.

به عبارت دیگر «سرمایه گذاری مشترک» به نوعی از همکاری تجاری اطلاق می‌شود که طی آن طرفین، مدیریت فعالیت خاصی را به نحو مشترک به عهده می‌گیرند و در سود و زیان حاصله شریک می‌شوند. به این ترتیب بسیاری از انواع قراردادهای انتقال تکنولوژی و اعطای لیسانس و عاملیت پخش و غیره از حیطه شمول اصطلاح «جونیت و نچر» خارج می‌شوند. به نظر می‌رسد که نظر اخیر از مطلوبیت بالایی برخوردار است. با وجود ترجمه‌های فوق الذکر، به نظر می‌رسد با وجود ترجمه‌ی (معادل سازی) عبارت «جونیت و نچر» در یکی از جدیدترین تألیفات به قرارداد سرمایه گذاری مشترک انتخاب این عنوان مناسب‌ترین، معادل است؛ زیرا از یک سو مانع ورود سایر انواع قراردادهایی که، مالی برای انجام عملی، بین افراد به صورت مشترک، اختصاص پیدا می‌کند، می‌شود.^۱ از سوی دیگر با هدف این نوع قراردادها که سرمایه گذاری است و یکی از وجوه متمایز این نوع از قرارداد از سایر انواع قرارداد به حساب می‌آید سازگارتر است. مضاف بر اینکه هر دو نوع سرمایه گذاری مشترک قراردادی و شرکتی را دربرمیگیرد؛ و همچنین با استفاده از این معادل از بکاربردن ترجمه‌ی اشتباه عبارت جونیت و نچر به صورت پیشین بی‌نیاز می‌گردیم.

بخش دوم: مزایای قرارداد سرمایه گذاری مشترک

قرارداد سرمایه گذاری مشترک از یک سو مزایا و معایب برخوردار است. از یک سو قرارداد سرمایه گذاری مشترک می‌تواند موجب دسترسی به منابع و مهارت‌هایی شود که در شرایط عادی با هزینه معقول، دسترسی به آن غیر ممکن است از سوی دیگر قرارداد سرمایه

^۱ - همان منبع، ص ۳۶



گذاری مشترک یکسری ریسک‌ها را نیز به دنبال دارد. از مزایای قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد، که برای اجتناب از تکرار و اطاعه‌ی کلام شرح آنها در گفتار بعد خواهد آمد:

۱: تقسیم ریسک

۲: تسهیل در سرمایه‌گذاری

۳: وسعت موضوعی فعالیت قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک

۴: مشارکت در سود

با مطالعه موارد عملی در حقوق تجارت بین‌الملل به انواع بسیارمتنوعی از قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک، از نظر موضوعی، برخورد می‌کنیم که هر یک از آنها بر اساس مقتضیات خاص خود و مقررات قانونی کشور یا کشورهای محل تشکیل و فعالیت، شکل خاصی برخورد گرفته است ولی از نظر ساختاری دو نوع از این گونه قراردادها را می‌توان نام برد. دسته‌ای از قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک بدون تأسیس یک بنگاه اقتصادی مشترک تشکیل می‌گردند؛ در این نوع هر یک از طرفین بر اساس قرارداد، انجام بخشی از فعالیت مشترک را به عهده می‌گیرد. معمولاً نظارت بر کل فعالیت به عهده یک کمیته مدیریت مشترک قرار می‌گیرد؛ اما طرفین هر یک به اسم خود و به مسئولیت خود بخشی از فعالیت را به انجام می‌رساند. این گونه از قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک معمولاً بر اساس یک قرارداد همکاری یا یک قرارداد فعالیت مشترک شکل می‌گیرد بدون اینکه طرفین برای اجرای این قرارداد دست به تأسیس یک بنگاه اقتصادی جدید بزنند. به همین دلیل به این نوع «سرمایه‌گذاری مشترک قراردادی» نیز می‌گویند. در مقابل، نوع دیگر قرارداد که در آن طرفین برای همکاری با یکدیگر و تحقق اهداف مشترک دست به تأسیس یک بنگاه اقتصادی جدید می‌زنند. آورده‌های خود را در این بنگاه متمرکز می‌کنند و هدایت فعالیت از طریق این بنگاه اقتصادی انجام می‌پذیرد. این دسته را «سرمایه‌گذاری مشترک سرمایه‌ای» یا قرارداد «سرمایه‌گذاری مشترک شرکتی» می‌نامند.



بند اول : سرمایه گذاری مشترک قراردادی

قرارداد سرمایه گذاری مشترک غیر دولتی، بستن قرارداد بین اشخاص است که انجام کار یا فعالیت تجاری را به قصد تحصیل منافع و سود منعقد نموده اند و واحد حقوقی مستقلی را به وجود نمی آورند. معمولاً طرفین قرارداد سرمایه گذاری مشترک، بنا به انگیزه های شخصی و انتفاعی مبادرت به انعقاد قرارداد مشارکت می نمایند. راجع به مشارکت قرارداد گفته شده: «این نوع مشارکت معمولاً وقتی استفاده می شود که قوانین کشوری که قرار است فعالیت های تجاری در آن صورت می گیرد. مفهوم مالکیت خصوصی دارایی را به رسمیت نشناخته باشد؛ مثل کشورهایی که دارای اقتصادی با برنامه ریزی متمرکز هستند» همین مرجع، نوع سرمایه گذاری مشترک را مقدمه ای برای تشکیل سرمایه گذاری مشترک شرکتی نیز دانسته اند. سرمایه گذاری مشترک قراردادی، نوعاً در جایی مناسب است که موضوع قرارداد، فعالیت کاملاً مشخصی است که می تواند در عرصه های تولید، فروش، تدارک سرمایه، تجهیزات، مالکیت صنعتی، کمک ها و دانش فنی، بازاریابی و ... باشد. بعضی از وضعیت های نمونه از این قرار است :

الف : سرمایه گذاری خارجی: معمولاً در این نوع قرارداد سرمایه گذاری مشترک ، سرمایه گذاری خارجی نه تنها سرمایه خود، بلکه چنانچه الزام قانونی یا قراردادی وجود داشته باشد می توان امید داشت که دانش مربوط به آن را نیز به محل سرمایه گذاری انتقال می دهد و به این ترتیب طرف مشارکت اجازه ورود به کشور سرمایه پذیر پیدا می نماید. یکی از اهداف مهم چنین مشارکتی، انتقال تکنولوژی است.

ب : قرارداد ارائه پیشنهاد مشترک: شایع ترین نوع قرارداد سرمایه گذاری مشترک، در مواردی است که طرفین مشارکت به یکدیگر ملحق می شوند تا برای تهیه طرح و اجرای یک پروژه خاص، پیشنهادهایی مناسب و قابل قبول برای ثالث (مشتری) ارائه نمایند.

ج : قرارداد سرمایه گذاری مشترک در اکتشاف و توسعه: معمولاً این نوع مشارکت در زمینه اکتشاف نفت و توسعه میادین آن انجام میگیرد و می تواند در زمینه های دیگر مانند: اکتشاف معادن و منابع زیرزمینی از قبیل طلا، نقره، مس، سنگ های قیمتی و ... صورت گیرد. مشخصه



ی چنین مشارکتی این است که طرفین مشارکت با قید مدت همکاری در دو موضوع اصلی، یعنی اکتشاف و سپس استخراج توافق می نمایند. هزینه عملیات اکتشاف و استخراج به نسبت سهم طرفین بوده و منابع استخراج شده به نسبت سرمایه و هزینه های مصرف شده بین طرفین تقسیم می شود.^۱

د: قرارداد سرمایه گذاری مشترک در امور بانکی: دو یا چند بانک به اتفاق یک یا چند شخص حقیقی یا حقوقی توافق می کنند که مبادرت به تأمین سرمایه لازم برای انجام فعالیت معین در زمان محدود نموده و در مقابل، اشخاص طرف قرارداد مذکور بایستی مبادرت به اجرای طرح مورد نظر نمایند. اصولاً اعضای قرارداد سرمایه گذاری مشترک قراردادی، ابتدا برای خود یک رئیس انتخاب می کنند که ریاست بر اعضای قرارداد سرمایه گذاری مشترک را به عهده دارد. علاوه بر این کمیته قرارداد سرمایه گذاری مشترک بدان محول می گردد در کنار این کمیته، مدیریت پروژه ای نیز تعیین می شود که دارای یک نایب مدیر پروژه می باشد.

بند دوم: سرمایه گذاری مشترک شرکته

قرارداد سرمایه گذاری مشترک شرکته نیز اگرچه محصول قرارداد و توافق دو یا چند جانبه شرکاء است؛ اما مانند قسم نخست، صرفاً محدود به قرارداد نبوده و طرفین به منظور نیل به اهداف توافق اقدام به تأسیس شرکته می نمایند که واحد شخصیت حقوقی مستقل از شرکا بوده و به آن شرکت مشترک گفته می شود. این نوع سرمایه گذاری مشترک دارای ویژگی هایی است که در ادامه به صورت مختصر به آنها می پردازیم.

الف: تفاهم نامه:

طرفین قرارداد سرمایه گذاری مشترک شرکته قبل از تأسیس شرکت مشترک و تفویض کلیه اختیارات خود به این شخص حقوقی، حاصل مذاکرات و توافقات خود را به صورت قراردادی کتبی، که به آن «تفاهم نامه» یا قرارداد پایه گفته می شود و مبنای همکاری

^۱-مجیبی، رها، سرمایه گذاری در ایران، تهران انتشارات صدرا، ص ۴۶



آینده آنها را تشکیل می‌دهد، تنظیم و به امضاء می‌رساند. نظر به این که در قرارداد مذکور، اهداف مشارکت، میزان سرمایه مورد نیاز و طریقه تأمین آن، شکل حقوقی مدت مشارکت، چگونگی اخذ تصویب نامه و مجوزهای مورد نیاز، تأمین‌های مالی اضافی، گزارش‌های مالی و نحوه تنظیم آنها، نقل انتقال سهام، و حتی زبان رسمی قرارداد تذکر داده می‌شود. به جهت جامعیت آن «قرارداد اصولی» نیز گفته می‌شود.

ب: کنترل و اداره شرکت مشترک:

اصولاً کنترل شرکت مشترک دارای سه بعد مختلف خواهد بود:

۱: کنترل مالکیت سهم ۲: کنترل مدیریت ۳: کنترل فنی و تکنولوژی^۱

۱- کنترل مالکیت سهم: اصولاً کنترل مالکیت سهم را به دو نوع کلی تقسیم می‌کنند. یکی کنترل مثبت به این معنا که صاحبان سهم بتوانند رأی و نظر خود را به هنگام اتخاذ تصمیم به دیگران تحمیل کنند و دیگری کنترل منفی، به این معنا که صاحبان چنین کنترلی می‌توانند از اتخاذ تصمیمات خلاف منافعشان جلوگیری به عمل آورند. مفهوم کنترل منفی عملکردی ظریف تر از کنترل مثبت در شرکت مشترک دارد. در کنترل مثبت، مالکین سهام بخاطر اکثریتی که در مالکیت سهام شرکت دارند، اداره خود را بر گروه اقلیت تحمیل می‌کنند. حال آنکه در کنترل منفی، گروه اقلیت، به خاطر حقی که در اساس نامه یا شرکت نامه یا قرارداد دیگری به آنها داده شده از اتخاذ برخی تصمیمات جلوگیری به عمل می‌آورند.^۲

۲- کنترل مدیریت: هیأت مدیره از ارکان شرکت و مسئول اداره و مدیریت شرکت است. این اداره عام است و شامل تصمیم‌گیری در حدود اختیارات اعطایی اساس نامه و مجامع عمومی می‌شود. همچنین اداره امور جاری شرکت شامل انعقاد قراردادها و به طور کلی انجام کلیه اموری است که شرکت برای آن انجام آنها تأسیس شده و نیز نظارت تعیین بر حسن اجرای امور شرکت را در بر می‌گیرد.

^۱-باستانی، علیرضا، آثار اقتصادی و بسترهای قانونی برای تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک (جوینت ونچر)، مجله

اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۹۰، ص ۶۱

^۲- امام، فرهاد، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، چاپ اول، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۳، ص ۴۲



۳- کنترل فنی و تکنولوژی: منظور از کنترل فنی، کنترلی است که در ارتباط با امور فنی و تکنولوژی از سوی شرکت مادر نیست به شرکت های مشترک اعمال می شود. به طور نمونه، شرکت جنرال موتورز کانادا از نظر فنی وابسته به شرکت های آمریکایی اش می باشد و حتی اگر صد در صد سهام شرکت هم به مالکیت افراد کانارایی درآید، تغییری در وابستگی ایجاد نمی شود.

بخش سوم: بررسی قرار دادهای بیع متقابل

تجارت متقابل در سطح وسیع آن، اولین بار پس از جنگ جهانی اول ظهور یافت. آلمان در دوران جمهوری وایمار^۱ و در شرایطی که پول کشور در اثر بی ثباتی بیش از حد نمی توانست وسیله مبادلات خارجی قرار گیرد، به شیوه تجارت متقابل متوسل گردید. به این ترتیب آلمان توانست اقتصاد خسارت دیده از جنگ را جبران کند. سایر کشورهای اروپایی نیز سیستم تهاتری و ترتیبات تسویه ب بین المللی را به عنوان وسیله ای جهت کمک به بهبود اوضاع اقتصادی بعد از جنگ، به کار گرفتند. سابقه بیع متقابل در دوره جدید را باید در دو دهه قبل و در کشورهای اروپای شرقی جستجو نمود. کشورهای اروپای شرقی با شرایط اقتصادی نامساعد از قبیل عدم توازن تجاری شدید با غرب، افزایش بدهی های خارجی، نیاز به واردات و عدم توفیق در افزایش صادرات روبرو بودند، لذا مجبور شدند واردات خود را که به اقلامی که دارای اولویت بودند یا اقلام مولد صادرات بوده محدود کردند. بنابراین اکثر این کشورها برای تأمین بقیه اقلام وارداتی سازمان های تجارت خارجی خود را به معاملات بیع متقابل فراخواندند. در ایران نیز، در راستای تحقق برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و به استناد بند تبصره ۲۹ قانون مذکور، اکثریت وزرای عضو کمیسیون اقتصادی هیأت دولت در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۳/۲۰، آئین نامه معاملات متقابل را تصویب نمودند. اولین قراردادهای بیع متقابل پس از تصویب آئین نامه مذکور، توسط کارشناسان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در اداره تهاتر و امور صادراتی مورد رسیدگی قرار گرفت. ساز و کار انعقاد این قراردادها در گذر زمان با تغییراتی روبرو بوده است. اولین

^۱ - Weimar



قرارداد بیع متقابل در ۱۳۷۱ با شرکت آمریکایی کونوکو^۱ منعقد شد که با آغاز تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران به مرحله اجرا نرسید. قرارداد بعدی در سال ۱۳۷۳ بین شرکت توتال و شرکت ملی نفت برای توسعه میدان سیری منعقد شد.

بخش چهارم: ویژگی های عمده بیع متقابل برای توسعه میادین نفتی

ساز و کار بیع متقابل ایران برای توسعه میادین نفتی، از طریق قراردادهایی عمل می کند که به موجب آن ها شرکت های نفتی خارجی متعهد به تأمین سرمایه و اجرای عملیات توسعه در رابطه با یک میدان نفتی یا گازی می گردند. در مقابل، شرکت ملی نفت ایران بازپرداخت شرکت نفتی خارجی را از طریق فروش مستقیم نفت و گاز حاصل به شرکت نفتی خارجی، یا به وسیله پرداخت عواید ناشی از فروش سهم نفت و گاز اختصاص یافته به آن به طرف های ثالث، متقبل می گردد.

بند اول: اهداف عمده بیع متقابل

هدف قراردادهای بیع متقابل، آن گونه که در ایران طراحی و به کار گرفته شده، تضمین حاکمیت دولت بر منابع نفت و گاز و حفظ نظارت دولت بر عملیات نفت و گاز، به نحوی که در قانون اساسی، قانون نفت ۱۳۵۳ و قانون نفت ۱۳۶۶ مقرر گردیده، است. برخی از بندهای قرارداد بیع متقابل، به طور خاص برای دستیابی به این اهداف تنظیم گردیده است. برای مثال یکی از بندها مقرر می دارد که شرکت ملی نفت ایران به شرکت نفتی خارجی اجازه می دهد تا عملیات توسعه را از طرف و به نام شرکت ملی نفت ایران اجرا کند. این بدان معنا است که شرکت نفتی خارجی به عنوان پیمانکار شرکت ملی نفت ایران عمل می کند، نه به عنوان یک شریک یا مالک پروژه. براساس بندی دیگر، کلیه زمین های تحصیل شده و اموال خریداری شده برای پروژه، صرفاً اموال شرکت ملی نفت خواهد بود. از این رو، هرگونه وسایل، کالا، تجهیزات و ماشین آلات که باید برای پروژه وارد گردند، توسط شرکت نفتی خارجی به نام شرکت ملی نفت ایران تهیه می گردند. دیگر هدف عمده در استفاده از بیع متقابل در ایران، دست یافتن به ارز خارجی و تخصص مورد نیاز برای اقدام

¹ -Conoco



پرهزینه، پرخطر و پیچیده اجرای پروژه های نفت و گاز است. از این رو، در قراردادهای بیع متقابل مسئولیت تأمین مالی و اجرای عملیات توسعه صرفاً بر عهده شرکت نفتی خارجی قرار دارد. با این حال، در برخی موارد، قرارداد بیع متقابل، به یک مشارکت در سرمایه گذاری متشکل از شرکت های نفتی خارجی و شرکت های داخلی واگذار شده است. در این موارد، هر شریک در مقابل شرکت ملی نفت ایران، مشترکاً و منفرداً مسئول تأمین مالی و اجرای پروژه است.

بند دوم: تعریف عملیات توسعه

پیش از آن که یک میدان به موجب قرارداد بیع متقابل موضوع توسعه قرار گیرد، فعالیت های اکتشافی توسط شرکت ملی نفت یا پیمانکاران آن انجام می گیرد تا معلوم گردد که آیا توسعه میدان امکان سنجی اقتصادی دارد یا نه؛ یعنی آیا یک میدان تجاری کشف گردیده است یا نه. هنگامی که اهمیت اقتصادی میدان معلوم گردید یا یک میدان تجاری کشف گردید، شرکت های نفتی خارجی برای توسعه دعوت به مناقصه می گردند. داده ها و اطلاعات به دست آمده در نتیجه عملیات اکتشاف در اختیار شرکت های نفتی خارجی قرار داده می شود تا طرح جامعی برای توسعه میدان آماده و پیشنهاد کنند. این طرح که شرح کار و عملیاتی را که باید انجام شود به تفصیل تعریف می کند، عموماً طرح جامع توسعه نامیده می شود.^۱ طرح جامع توسعه، بخشی اساسی از یک قرارداد بیع متقابل است که یک مأموریت برای عملیات توسعه محسوب می شود. شرکت نفتی خارجی باید با اجرای طرح جامع توسعه به اهداف قرارداد دست یابد. هرگونه انحراف از طرح جامع توسعه نیاز به تأیید قبلی و کتبی شرکت ملی نفت ایران دارد و شرکت ملی نفت ایران مختار است که چنین درخواست هایی را بپذیرد یا رد کند. فازهای مختلف عملیات توسعه و همچنین مراحل مهم در هر فاز، در طرح جامع توسعه تعریف شده اند. مخارج سرمایه ای براساس قیمت های تفکیکی مندرج در طرح جامع توسعه، محاسبه گردیده، در پایان در قرارداد مورد توافق قرار

¹ - Groenendaal, Willem J.H. van, Mohammad, Mazraati, "A Critical Review of Iran's Buyback Contracts", Energy Policy, 34, 3709-3718. (2006).p.3



می‌گیرند. از این رو، قرار داد بیع متقابل برای توسعه اقتضا دارد که طرفین در هنگام انعقاد قرارداد، بر جزئیات توسعه توافق کنند.

بند سوم: نظام مالی بیع متقابل

کلید سرمایه‌های مورد نیاز برای اجرای یک طرح جامع توسعه باید از سوی شرکت‌های نفتی

خارجی تأمین گردند. در قراردادهای بیع متقابل، چهار دسته هزینه پیش‌بینی می‌گردد:

۱- هزینه‌های سرمایه‌ای،

۲- هزینه‌های غیرسرمایه‌ای،

۳- هزینه‌های بهره‌برداری،

۴- هزینه‌های بانکی.

هزینه‌های سرمایه‌ای، کلید هزینه‌هایی است که مستقیماً به اجرای عملیات توسعه، آن گونه که در رویه‌های حسابداری ضمیمه قرارداد دسته‌بندی شده، مربوط می‌گردد. هزینه‌های غیرسرمایه‌ای به هزینه‌هایی اشاره دارد که مشخص کردن آن‌ها در هنگام انعقاد قرارداد دشوار است و عمدتاً هزینه‌هایی است که در رابطه با عملیات توسعه به مراجع ایران پرداخت می‌گردد، مانند مالیات‌ها، هزینه‌های تأمین اجتماعی، عوارض گمرکی و هرگونه عوارض ضروری دیگر. هزینه‌های بهره‌برداری هزینه‌هایی است که پیش از آن که پروژه کامل و به شرکت ملی نفت ایران تحویل داده شود، مس‌تقیماً، ضرورتاً و منحصرأ برای تولید ایجاد و پرداخت شده‌اند. هزینه‌های بهره‌برداری عمدتاً زمانی موضوعیت دارند که هدف دستیابی به تولید در دو یا سه فاز طراحی گردیده و به شرکت نفتی خارجی اجازه داده شده تا در فاز اول یا دوم توسعه از میدان بهره‌برداری کند. هزینه‌های بانکی به هزینه‌های تأمین مالی اشاره دارد که بر اساس نرخ لیبور به علاوه درصدی معین برای مثال ۷۵ درصد محاسبه می‌گردد. این دسته از هزینه‌ها تحت شرایط خاصی برگشت پذیر هستند. نخست این که اهداف قرارداد، آن گونه که در طرح جامع توسعه ذکر شده، باید توسط شرکت نفتی خارجی محقق گردد. دوم آن که صحت و سقم هزینه‌ها باید توسط شرکت ملی نفت ایران



یا یک حسابرس بین المللی مورد قبول شرکت ملی نفت ایران تأیید گردد. سوم آن که هزینه‌ها باید به نحو درستی در طبقات مالی هزینه‌های سرمایه‌ای، هزینه‌های غیرسرمایه‌ای، هزینه‌های بهره‌برداری و هزینه‌های بانکی، براساس رویه‌های حسابداری ضمیمه شده به قرارداد، دسته‌بندی شده باشند. آن دسته از هزینه‌هایی که زیر عنوان هزینه‌های سرمایه‌ای دسته‌بندی شده‌اند، تا سقفی که در قرارداد تعیین شده، برگشت پذیرند. بنابراین، هرگونه هزینه‌ای که فراتر از این حد، توسط شرکت نفتی خارجی، برای اجرای طرح جامع توسعه و تکمیل پروژه ایجاد شده، برگشت پذیر نیست و بر شرکت نفتی خارجی تحمیل می‌گردد. هزینه‌های غیرسرمایه‌ای سقف ندارند. از این رو، هر هزینه غیر سرمایه‌ای که شرکت نفتی خارجی متحمل گردیده، برگشت پذیر خواهد بود. هزینه‌های بهره‌برداری نیز سقفی ندارند و اصولاً هر هزینه‌ای که در دسته هزینه‌های بهره‌برداری جای گیرد، قابل بازیافت خواهد بود. هزینه‌های بانکی بر مخارج هزینه‌های سرمایه‌ای هزینه‌های غیرسرمایه‌ای اعمال می‌گردد و از نخستین ماه، پس از ماهی که هزینه‌ها ایجاد شده، محاسبه و تا زمانی که جبران گردند، پرداخت می‌شوند. هزینه‌های بانکی بر هزینه‌های بهره‌برداری اعمال نمی‌گردند؛ زیرا فرض بر آن است که هزینه‌های بهره‌برداری در سه ماهه بعدی جبران می‌گردند. اگر به هر دلیل، هزینه‌های بهره‌برداری در سه ماهه بعدی بازیافت نشوند، هزینه‌های بانکی بر آنان نیز اعمال می‌گردند. اگر تکمیل پروژه به دلایلی غیرمنتسب به فعل یا علاوه بر هزینه‌ها، مبلغی ثابت در قرارداد بیع متقابل، طبق توافق، به عنوان پاداش برای سرمایه‌گذاری و پذیرش ریسک به شرکت نفتی خارجی پرداخت خواهد شد.

بند چهارم: ریسک شرکت‌های نفتی خارجی

شرکت‌های نفتی خارجی با انعقاد قراردادهای بیع متقابل، چندین ریسک را بر عهده می‌گیرند. در این جا می‌توان به ریسک‌های ذیل اشاره کرد:

نخست آن که شرکت نفتی خارجی به موجب قرارداد ملزم است سرمایه کافی برای عملیات توسعه را تأمین کند. هزینه‌های سرمایه‌ای در زمان انعقاد قرارداد مشخص گردیده‌اند، اما هرگونه هزینه سرمایه‌ای مازاد مورد نیاز برای اجرای طرح جامع توسعه باید از سوی



شرکت نفت خارجی فراهم گردد. مبلغ هزینه های غیر سرمایه ای یا هزینه های بهره برداری در هنگام انعقاد قرارداد تعیین نشده اند و در صورت لزوم باید به وسیله شرکت نفتی خارجی تأمین گردند. سرمایه واقعی مورد نیاز برای هزینه های غیر سرمایه ای و هزینه های بهره برداری ممکن است از مقدار تخمین زده شده در هنگام انعقاد قرارداد تجاوز کند.

دوم آن که تمامی هزینه های سرمایه ای مورد نیاز برای اجرای طرح جامع توسعه و برای تحقق اهداف آن باید توسط شرکت نفتی خارجی پرداخت گردد، اما بازپرداخت آن تنها در محدوده سقف هزینه های سرمایه ای مورد توافق در قرارداد صورت می گیرد. تغییرات غیر قابل پیش بینی در شرایط بازار ممکن است باعث افزایش هزینه های سرمایه ای از سقف تعیین شده گردد که مقدار مازاد آن تنها بر عهده شرکت نفتی خارجی قرار می گیرد. به همین ترتیب، بعدها ممکن است بسیاری از مسائل فنی پیش آید که منجر به تجاوز هزینه های سرمایه ای از سقف آن گردد؛ اما از آن جا که این هزینه ها در جهت تحقق اهداف قرارداد است تأمین آن بر عهده شرکت نفتی خارجی است.

سوم آن که چون طرح جامع توسعه بر مبنای داده ها و اطلاعات زمان تنظیم، تهیه گردیده، ممکن است با دستیابی به اطلاعات بیش تر در نتیجه عملیات توسعه، نیاز به تغییر پیدا کند. در چنین موقعیت هایی، شرکت نفتی خارجی باید تأیید شرکت ملی نفت ایران را کسب کند و هزینه های آن را در صورت تجاوز از سقف هزینه های سرمایه ای متحمل گردد.^۱

نتیجه گیری

۱- نخستین قراردادهای نفتی در ایران در سال های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ۲۵ قرارداد برای اکتشاف و بهره برداری از ذخایر نفت و گاز ایران امضا شد که چهار قرارداد به صورت امتیازی، ۱۱ قرارداد به صورت مشارکت در تولید و سود و ۹ قرارداد به صورت خدماتی همراه با ریسک بوده، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تمام قراردادهایی که برای

^۱ - شیروی، عبدالحسین و سید نصرالله ابراهیمی، همان منبع، ص ۲۵۳



توسعه میدان‌های هیدروکربوری ایران نهایی شده، از نوع خاصی از قراردادهای خدماتی بوده است که بیع متقابل نامیده شده‌اند.

۲- تاملی در قراردادهای نفتی موید آنست که کشورهای در حال توسعه سعی در تدوین قواعد و شروط قراردادی می‌نمایند که حق مالکیت شرکت خارجیبر زمین منطقه عملیاتی و به ویژه نفت و گاز مخازن محدود گردد. تلاشی که خود تبلور اعمال حاکمیت ملی بر خاک و منابع زیرزمینی بوده و امروزه نیز یادگار آن در قرارداد های نفتی وجود دارد.

۳- قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری، نوع پیشرفته تری از قراردادهای مشارکتی به شمار می‌آیند. براساس این قرارداد، کشور صاحب نفت و شرکت عامل در سود و ریسک توافق نامه‌های نفتی سهیم می‌شوند. میزان مشارکت در عقد قراردادهای مختلف متفاوت است. در این قرارداد دولت همانند شریک در تولیدی که براساس قرارداد انجام می‌شود، سهیم است. از سوی دیگر، در پروژه‌های توسعه میادین نفتی که به دلیل محرز بودن وجود نفت و ریسک پایین آن، دولت‌های میزبان علاقه‌مند هستند تا بخشی از هزینه‌های توسعه و استخراج نفت را، خود متقبل شوند، قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک منعقد می‌شود و دولت سهم سود خود را در قرارداد بالا می‌برد. برای مثال اگر در قرارداد عادی مشارکت در تولید نفت سود به نسبت ۷۰٪ به ۳۰٪ تقسیم می‌شد، در قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک سهم ۳۰ درصدی شرکت نفتی با کشور میزبان تقسیم می‌شود و سهم کشور میزبان بالاتر می‌رود. در قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری، کشور میزبان افزون بر مالیات درصدی از سود واقعی سرمایه‌گذاری را نیز به خود اختصاص خواهد داد. در این نوع قرارداد در صورت موفق نبودن عملیات اکتشاف یا نبود امکان بهره‌برداری تجاری از آن، هزینه‌ها به عهده سرمایه‌گذار خواهد بود.

۴- قرارداد بیع متقابل عقدی است که بین دو شخص حقیقی یا حقوقی منعقد می‌گردد و ضمن آن یک طرف تامین‌کننده در مقابل تعهد طرف دیگر صادرکننده مبنی بر تولید و تحویل مقدار معینی از کالا یا کالاهای مشخص جهت صدور به خارج کشور طی زمان



مورد توافق، تعهد می‌نماید مواد، ابزار، ماشین آلات، قطعات و خدمات مورد نیاز طرف دیگر را برای ایفای تعهدش در اختیار وی قرار دهد.

۵- قراردادهای بیع متقابل برای توسعه میادین نفتی و افزایش ضریب بازیافت معمولاً با محدودیت مدت قرارداد (۷ تا ۱۰ سال) مواجه است و در چنین وضعیتی، تمایل شرکت‌های خارجی که تأمین‌کننده سرمایه‌اند، اینست که از چنان روش‌هایی برای بهره‌برداری از میادین استفاده کنند که در حداقل زمان حداکثر بازیافت را نتیجه دهد، زیرا این شرکت‌ها علی‌القاعده بر طبق ضوابط با بنگاه داری عمل می‌کنند و لذا صرفاً به دنبال رضایت «سهامداران» خود هستند نه تأمین منافع نسل فعلی و نسل‌های آینده کشورمان.

۶- مدت اینگونه قراردادها و طولانی بودن عملیات توسعه میادین از جمله عواملی باشد که انگیزه‌ی کمتری نماید و هیچ تلاشی از سوی پیمانکاران خارجی جهت به حداکثر رساندن عمر میادین صورت نمی‌گیرد. در حالی که قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک دارای مدت اجرایی طولانی‌تر بوده و علاوه بر آن سرمایه‌گذار خارجی برای بهره‌برداری بیشتر از سرمایه‌گذاری انجام یافته تمایل به حضور بیشتر در کشور میزبان برای دریافت منافع بیشتر را دارد. از این رو از نظر اقتصادی استفاده از تکنولوژی‌ای که بتواند در بلندمدت جوابگوی نیازهای آن بخش باشد مناسب‌تر خواهد بود که خود به معنی انتقال تکنولوژی بالاتر به کشور میزبان است.

۷- کلیه پروژه‌های بیع متقابل که در سال‌های اخیر امضاء شده است عمدتاً بر اساس تزریق آب یا با سرعت دادن به آبرسانی مخازن نفتی بود که برای تولید صیانتی از میادین نفتی بسیار مضر است.

پیشنهادات

۱- قانون خاص هر بخش، آئینه‌ای برای فعالین آن بخش می‌باشد. در صنعت نفت نیز وجود یک قانون جامع و شفاف یک پیش‌نیاز محسوب می‌شود.

در حال حاضر حتی کشوری همچون موزامبیک دارای قانون نفت شفاف و جامع تری در مقایسه با کشور ما می‌باشد. لذا لازم است قانون نفت ایران با لحاظ داشتن کلیه عوامل پیرامونی



صنعت نفت و تجارب بین‌المللی و داخلی نگارش شود و کلیه قوانین و مقررات بنیادی که بصورت پراکنده در قوانین و مقررات مختلف در رابطه با صنعت نفت وضع گردیده در این قانون متمرکز شود.

۲- بدون شک تحولاتی که در نظام حقوقی صنعت نفت ایران از جمله تصمیم به ملی شدن صنعت نفت و تبعات حقوقی بین‌المللی آن، و در دوره اخیر طراحی مدل قراردادهای خرید متقابل (Buy-Back) در چارچوب محدودیتهای قانونی کشور، تاثیر زیادی در حقوق نفت در جهان داشته است و کشورهای زیادی تحولات در حقوق نفت ایران را پیگیری و الگو برداری کرده‌اند. لذا حقوق نفت ایران صرفنظر از مباحث اجرائی دارای اعتبار ملی برای کشور ما باشد. بر همین اساس باید نگرش به این حوزه باید متفاوت و بسیار تخصصی تر باشد.

۳- در زمینه تربیت کارشناسان حقوق نفت برای اداره مذاکرات قراردادی و تنظیم قراردادهای نفتی، تهیه و اظهار نظر در زمینه طرحها و لوایح نفتی نیز ضعفهای اساسی در ساختار این صنعت چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی ایرانی فعال در صنعت نفت مشاهده می‌شود. همچنین مباحث مربوط به حقوق نفت در دانشگاههای کشور ما غریبه هستند و حتی یک کرسی مربوط به حقوق نفت در داخل کشور دائر نبوده و کارشناسان ایرانی باید حقوق نفت را در دانشگاههای غربی فرا بگیرند، که این وضعیت در شان مراکز علمی ایران با سابقه طولانی و برخوردار از اساتید مجرب نمی‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و مآخذ

الف: کتابها

- ۱- افراسیابی، بهرام، ایران در تاریخ، ج ۲، تهران: نشر علم، ۱۳۶۷
- ۲- حسن بیگی، ابولفضل، نفت، بای بک و منافع ملی، تهران: انتشارات نوای آوا، ۱۳۸۱
- ۳- جمالی نظربور، مهدی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران: نشر مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، بی تا
- ۴- جمعی از نویسندگان، کالبد شکافی صنعت نفت ایران، روابط عمومی وزارت نفت، ۱۳۸۰
- ۵- ربیعی، فرانک، حقوق قرار دادهای نفتی، تهران: انتشارات بهنام، ۱۳۸۱
- ۶- روحانی، فواد؛ زندگی سیاسی مصدق، تهران: نشر زوار، ۱۳۷۹
- ۷- زهی، نقی، علیرضا علی پور، داود غفارپور، سرمایه گذاری و روشهای تامین منابع مالی خارجی، تبریز، نشر معاونت اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی آذربایجان شرقی، ۱۳۸۴
- ۸- ذوقی، ایرج، مسایل سیاسی و اقتصادی نفت ایران، تهران: انتشارات پازنگ، ۱۳۷۰
- ۹- فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، تهران: انتشارات سهامی چاپ، ۱۳۳۵
- ۱۰- فرشاد گهر، ناصر، سیری در قراردادهای نفتی ایران، تهران، پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۱
- ۱۱- قاسم زاده، محمود، تجزیه و تحلیل و مقایسه اقتصادی قرارداد فروش نفت و گاز ۱۹۵۴ با ۱۹۳۳، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران، بی تا
- ۱۲- طلوعی، محمود، پدر و پسر، چاپ چهارم، تهران: نشر علم، ۱۳۷۷
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱
- ۱۴- مکی، حسین؛ تاریخ ۲۰ ساله ایران، چاپ ششم، ج ۵، تهران: علمی، ۱۳۸۰
- ۱۵- مدنی، جلال الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱
- ۱۶- مهدوی، هوشنگ، تاریخ روابط خارجی پهلوی، تهران: نشر مؤلف، ۱۳۷۸

- ۱۷- موحد، محمد علی، نفت ما و مسائل حقوقی آن، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹
- ۱۸- نجاتی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، تهران: نشر رسا، ۱۳۷۳
- ۱۹- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱
- ۲۰- مرتضوی، مرتضی، نقش نفت در تحولات اقتصادی، تهران: انتشار علوی، ۱۳۷۲
- ۲۱- نایی، احمد، مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کیت علوم انسانی دانشگاه سمت، ۱۳۸۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

